

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ اپریل ۲۰۲۳

## طالب و تجدید تربیت گلبدین!

سه شنبه- ۰۵ ثور ۱۴۰۲ - کابل: هرگاه به گزارشی که در برخی از رسانه ها راجع به صحبت های "گلبدین" با تعدادی از اعضای حزبش نموده بود، دقت نموده باشید حتماً متوجه شده اید که گلبدین یعنی یکی از شرورترین افراد در نیم قرن اخیر چگونه به مانند یک بره بی آزار ضمن حمله به امریکا و مخالفان دور و نزدیک طالب، از نظام ملاسالار اطاعت و تابعیت خودش را اعلام داشت. در یادداشت امروز مکث کوتاهی در باب همین استحالته خواهیم داشت:

۱- می توان گفت اکثریت کسانی که به نسل ما تعلق دارند و یا به نسل قبل از ما، خوب می دانند که "گلبدین" یکی از جنایتکارترین و شرورترین و وطنفروش ترین افرادی می باشد که در نیم قرن اخیر در حق خلق کشور جنایت و در حق خود کشور ما خیانت نموده است.

این جنایتکار بی آزر که از همان آغاز کار با سوار شدن بالای پشقل روابط استخباراتی اخوان در عرصه بین المللی، کشمیر را نظاره می نمود، کسی بود که می خواست خودش را به مثابه "مخالف مادرزاد" تمام حاکمیت ها ثبت تاریخ نماید. یعنی با تمام نظامهایی که در نیم قرن اخیر در افغانستان حاکمیت داشته اند، "سر تقسیم" جور نیامده، همیشه حاضر بوده است تا جهت رسیدن به اهدافش از مسموم ساختن دختران مکاتب گرفته، تا قتل روشنفکران وطنخواه و از ویرانی و کشتار بیش از ۶۵ هزار از شهروندان کابل گرفته، تا دادن قباله کشور به پاکستان در یغ نورزد. این جنایتکار آنقدر شیفته قدرت و در رأس حاکمیت قرار گرفتن بود، که هر چند مقام صدارت افغانستان را برایش داده بودند، مگر به آن هم قانع نشده از موضع صدراعظم بر بالای سنگر های رئیس جمهور وطنفروش تر از خودش یعنی "ربانی- مسعود" فیر می نمود.

۲- این که در زمان اشغال افغانستان به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء، با گرفتن سالانه بیش از میلیونها دالر حاضر شد اداره مستعمراتی را به رسمیت بشناسد و به امید در رأس حاکمیت بالا آوردنش از جانب اشغالگران، ننگ به رسمیت شناختن یک حاکمیت پوشالی و مستعمره را در کارنامه ننگینش افزود، باشد سرجایش؛ مگر وقتی حاکمیت به طالب سپرده شد و طالب هم خلاف تمام امیدها و تصوراتش هیچ نوع اهمیتی برایش قائل نشد و حتا پیشنهاد بیعت از جانب وی را مستقیم پاسخ نداد، او را وادار ساخت تا برای اولین بار به جای زیاده خواهی و خواب امارت و صدارت را دیدن، به ملای یک مسجد بودن نیز قناعت نماید.

۳- این را هم می دانیم که طالب چگونه ۴ ماه قبل به وی دستور داد که دیگر حق ندارد حتا ملای یک مسجد نیز باشد و موظف است در عقب ملانی اقتداء نماید که طالب وی را فرستاده است.

تا جایی که دیده می شود از آن زمان تا روز گذشته، هیچ خط و خبری از "گلبدین" وجود نداشت. این که خانواده اش تا کجا از طرز زندگانی وی مطلع بودند و هستند، برایم معلوم نیست، آنچه را تمام مردم من جمله خودم می دانم نامبرده در طول ۴ ماه گذشته، حتا حق نداشت تا مؤذن مسجد باشد.

این که روز گذشته بعد از چهارماه غیابت رسانه نی مجدداً از تابوتش بیرون شد و شروع کرد به فحاشی نسبت به امپریالیسم امریکا و مخالفان طالب، بیانگر آن است که نامبرده در طول این مدت، زیر پرورش و تجدید تربیت قرار داشته است. یعنی طالب در تجدید تربیت وی موفقانه عمل نموده، نامبرده را به تفاله خور سخنگویان طالب مبدل نموده است.

هموطنان گرامی!

با در نظرداشت این که "گلبدین" یک شخصیت چند بعدی و مغلق داشت و دارد، با تمام علاقه و امیدی که به تجدید تربیت افرادی از قماش وی داریم، مگر مشکل است قاطعانه حکم کرد که مواضع امروزی اش برخاسته از تأثیر تجدید تربیت وی می باشد.

دلیل این نگرانی و عدم اطمینان، روابط استخباراتی است که وی با "آی. اس. آی." و بقیه نهاد های استخباراتی داشت و دارد. همین روابط انسان را به شک می اندازد که آیا نرمش کنونی "گلبدین" نتیجه تجدید تربیتش به وسیله طالب است و یا عکس آن دستور بادرانش است تا خود را چنین تربیت پذیر نشان دهد.

در این میانه یک نکته مسلم است که طالب نیز نیروئی نیست که به آسانی بتوان آن را فریب داد، زیرا آنها نیز دست پرورده عین استادان می باشند. چیزی که در مورد این دو یعنی "گلبدین" و "طالب" صدق می نماید، همان ضرب المثل معروف مردم کابل است که گفته اند: "پوست خر و دندان سگ"

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**